

## چاپ عکسی کهن ترین نسخه کامل شاهنامه

ابوالفضل خطیبی

شاهنامه فردوسی (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add.21,103 مشهور به شاهنامه لندن)، نسخه برگردانان: ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران ۱۳۸۴، ۲۹۷ برگ متن اصلی + ۳۲ صفحه پیشگفتار فارسی + ۱۴ صفحه پیشگفتار انگلیسی.

این نسخه، که تاریخ ۶۷۵ هجری در ترقیمه آن آمده است، کهن ترین نسخه کامل شاهنامه است. نسخه کهن تر اما ناقص نسخه فلورانس مورخ ۶۱۴ هجری است که نیمه نخست شاهنامه را در بر دارد.

نگارنده، طی حدود شش سال گذشته که در تصحیح دفتر هفتم شاهنامه با دکتر جلال خالقی مطلق همکاری می‌کردم، مدام با نسخه شاهنامه لندن سروکار داشته و حاصل تجربه‌ها و مطالعات خود را در مقاله‌ای مستقل (خطیبی ۱۳۸۲ الف) گزارش کرده و در چندین مقاله دیگر، به مناسبت‌های گوناگون، درباره این نسخه به تفصیل به بحث پرداخته است (خطیبی ۱۳۸۱، ۱۳۸۳). ولی، در این جستار، برآنم که، ضمن اشاره به آن تجربه‌ها، با بررسی و نقد پیشگفتار دکتر محمود امیدسالار بر چاپ عکسی این نسخه، نکاتی را به تحقیقات پیشین بیفزایم.

امیدسالار، در پیشگفتار خود، نخست تاریخچه مختصری از این نسخه را به دست داده که خواندنی است.

در این نسخه، برگ‌های ۵ تا ۷ (از آغاز شاهنامه تا بیت ۳۸ از پادشاهی جمشید)، و برگ‌های ۵۰ تا ۵۳ (از بیت ۱۲۸۹ داستان رستم و سهراب تا بیت ۶۸۰ از داستان سیاوخش) و برگ ۲۹۷ (از بیت ۸۷۹ پادشاهی یزدگرد سوم تا آخر شاهنامه) پس از اتمام کتابت نسخه به آن افزوده شده‌اند. مهم‌ترین برگِ نونویس این نسخه برگ ۲۹۷ است که تاریخ ۶۷۵ هجری فقط در این برگ آمده است.

بر خلاف نسخه فلورانس، که اندک‌زمانی پس از کشف و معرفی آن در حدود سی سال پیش بحث‌های بسیاری بر سر اصلی یا جعلی بودن تاریخ آن در گرفت، درباره نسخه لندن و تاریخ کتابت آن کمتر بحثی به میان آمد و، با توجه به این تاریخ، تاکنون اقدام نسخه‌های کامل شاهنامه شناخته شده است. اما به تازگی بحث و جدل درباره تاریخ این نسخه نیز بالا گرفته به ویژه امیدسالار، در پیشگفتار همین چاپ عکسی، در صحت و اعتبار این تاریخ سخت تشکیک کرده است. امیدسالار، در این پیشگفتار، اظهار نظرهایی را که از زمان معرفی این نسخه در فهرست نسخه‌های خطی موزه بریتانیا تاکنون شده نقل کرده است. این مرور نشان می‌دهد که محققان درباره تاریخ نسخه لندن اتفاق نظر نداشته‌اند. کسانی چون چارلز ریو و تقی‌زاده (۱۳۴۹، ص ۲۶۰-۲۶۱) تاریخ ۶۷۵ را قطعی ندانسته‌اند. علامه قزوینی (۱۳۶۲، ص ۱۶۱) حدس زده است که آن در قرن هفتم از روی نسخه موزخ ۶۷۵ نوشته شده باشد. داراب (۱۳۱۳، ص ۸۷۴-۸۷۵) و پس از او مینوی (۱۳۵۶، ص ۷۴ و ۷۷)، ریاحی (۱۳۷۲، ص ۱۸۹-۱۹۰)، و مجتبائی (۱۳۷۲، ص ۲۹۱-۲۹۲) به صراحت آن را متعلق به ۶۷۵ ه دانستند.

نخستین بار، در اواسط قرن بیستم، مصححان شوروی شاهنامه به سرپرستی ی. ا. برتلس از نسخه لندن به عنوان اقدم نسخه‌ها و نسخه اساس استفاده کردند. برتلس متوجه نونویس بودن تاریخ نسخه شد و درباره آن توضیح داد که از قرار معلوم ورق‌های نخستین و پایانی همچنین جاهایی در متن که از کثرت استعمال ساییده و فرسوده شده بودند نونویسی شده لیکن کاتب، در جریان بازسازی، از نسخه دیگری استفاده نکرده است. وی، در تأیید این فرضیه، به آن استناد کرده که در صفحه آخر بر روی تاریخ نوشته شده است: *کذا فی منقول عنہ*. (برتلس، ص یج)

پس از مصححان شوروی، همه مصححان شاهنامه قدر این نسخه ارزشمند را شناختند و آن را اساس تصحیح خویش قرار دادند؛ از آن جمله‌اند مجتبی مینوی و همکاران او در

بنیاد شاهنامه. سپس جلال خالقی مطلق، در معرفی نسخه‌های شانزده‌گانه اساس تصحیح خود، به تفصیل ویژگی‌های این نسخه را برشمرد و آن را، به لحاظ اهمیت و اعتبار، در نیمه نخست شاهنامه پس از نسخه فلورانس در رتبه دوم و، در نیمه دوم شاهنامه، که نسخه فلورانس فاقد آن است، نسخه اساس قرار داد. خالقی مطلق نظر برتلس درباره تاریخ نسخه را می‌پذیرد اما بر آن است که این نظر درباره دیباچه نویسنده شاهنامه به دو دلیل مهم مصداق ندارد: یکی آنکه پر است از تحریف‌ها و تصرفات آشکار؛ دیگر آنکه خود نسخه لندن با نسخه قاهره مورخ ۷۴۱ خویشاوندی نزدیک دارد ولی از این خویشاوندی در دیباچه اثری نیست. (خالقی مطلق ۱۳۶۹ الف، ص ۲۰-۲۲). امیدسالار، در پیشگفتار خود (ص ۲۰)، از محققانی که تاریخ این نسخه را بی‌چون‌وچرا پذیرفته‌اند انتقاد کرده و توضیح برتلس را نیز کافی و قانع‌کننده نشمرده و از جمله این امکان را مطرح کرده است که نویسنده مربوط باشد به افتادگی‌ها در نسخه لندن و چه‌بسا، در قرن هشتم یا پس از آن، افتادگی‌ها از نسخه دیگری مورخ ۶۷۵ نقل شده و تاریخ کتابت بخش‌های دیگر نسخه ممکن است مقدم یا مؤخر بر ۶۷۵ هجری باشد.

نگارنده نظر برتلس درباره تاریخ این نسخه را صائب می‌داند. مع الوصف این نظر را با تذکر خالقی مطلق می‌توان اصلاح و تکمیل کرد که دیباچه از روی نسخه دیگری به نسخه اصلی منضم شده باشد. نتیجه آنکه برگ‌های نویسنده را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- (۱) دیباچه شاهنامه که احتمالاً برگ‌های آن چنان فرسوده بوده که ناگزیر به کنار نهاده شده و دیباچه از روی نسخه دیگری، کم‌اعتبار، نقل شده است.
- (۲) بخش مشتمل بر پادشاهی گیومرت تا آغاز پادشاهی جمشید که به متن نسخه اصلی نزدیک است و مشخص است که این برگ‌ها، به رغم فرسودگی، چندان خوانا بوده که از روی آنها بازنویسی میسر باشد.
- (۳) بیت‌های پایانی داستان رستم و سهراب و آغاز داستان سیاوخش در ۴ برگ که نگارنده آنها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که از روی نسخه اصلی رونویسی شده‌اند و قرابت ضبط آنها با نسخه خویشاوند این نسخه یعنی نسخه قاهره ۷۶۹ و تاحدی قاهره ۷۴۱ مؤید این دعوی است.

۴) برگ پایانی حاوی ۳۴ بیت دارای تاریخ ۶۷۵ که نمی‌توان قاطعانه نظر داد که از روی نسخه اصلی بازنویسی شده باشند، هرچند خویشاوندی آنها با نسخه‌های قاهره ۷۴۱ و ۷۹۶ مشهود است. همچنین، در کتابت، تفاوت بارزی میان این ابیات و ابیات صفحه ماقبل آخر که به خط کاتب اصلی است دیده نمی‌شود. در بیت‌های پایانی، دو جا (ص ۲۹۷ سطرهای ۵ و ۷) به املاهای آزاده‌گان، به جای آزادگان، برمی‌خوریم که سه مورد مشابه این ضبط را فقط در مواضع دیگری از همین نسخه دیده‌ام: پرستنده‌گان (ص ۲۹۱، س ۱؛ قس چاپ مسکو، ج ۹، ص ۲۹۳، ب ۷)؛ جهان‌دیده‌گان (ص ۲۴۲، س ۱۴؛ قس چاپ مسکو، ج ۸، ص ۲۴۵، ب ۳۳۰۵؛ همچنین ص ۲۹۴، س ۶ از پایین؛ قس چاپ مسکو ج ۹، ص ۳۳۷، ب ۳۲۰). این املاها در حاشیه چاپ مسکو ثبت نشده‌اند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که در ترقیمه کاتب دوم، که عیناً در اینجا می‌آوریم، بیشتر تأمل کنیم:

**کتابت هذه النسخة فی محرم سنه خمسين و سبعين و ستمائه کذا فی منقول عنه ۶۷۵**

با توجه به نکاتی که پیش‌تر گفته شد، کاتب دوم با امانت کوشیده است تا، ضمن کامل کردن نسخه، اصالت آن را حفظ کند. نگارنده به‌هیچ‌روی نمی‌تواند تصور کند که این کاتب دیباچه مفقود نسخه اصلی را از روی نسخه‌ای کم‌اعتبار بازنویسی کرده باشد و برگ‌های فرسوده دیگر را از روی نسخه‌ای دیگر نزدیک به نسخه اصلی. امانت‌داری او در عبارت کذا فی منقول عنه آشکارا منعکس شده است. او در این عبارت به ما می‌گوید که این صفحه را از روی نسخه اصلی، که تاریخ ۶۷۵ در ترقیمه آن مضبوط بوده، بازنویسی و تاریخ مذکور را از آن نسخه عیناً نقل کرده است. بعید است که وی، در نسخه‌ای به حجم شاهنامه، تنها ۳۴ بیت پایانی را – گیریم از روی نسخه دیگری – نقل و آن‌گاه تاریخ کتابت همین چند بیت را در ترقیمه نسخه اصل آورده باشد؛ به بیان دیگر، تاریخ کتابت ۳۴ بیت را به حدود ۵۰ هزار بیت دیگر از نسخه اصلی تعلق داده باشد. تاریخ ۶۷۵، که با قدمت و اعتبار این نسخه همخوانی دارد، به احتمال قریب به یقین تاریخ کتابت متن اصلی اقدم نسخه‌های کامل شاهنامه است.

خالقی مطلق (۱۳۶۹ الف، ص ۴۶) نسخه‌های پانزده‌گانه مبنای تصحیح خو را به دو گروه دسته‌بندی می‌کند: یکی گروه فلورانس ۶۱۴ (ف)، لندن ۶۷۵ (ل)، قاهره ۷۴۱ (ق)، واتیکان ۸۴۸ (و)، لندن ۸۹۱ (ل)، استانبول ۹۰۳ (س)، لندن ۸۴۱ (ل) و لنینگراد ۸۴۹

(لن ۲)؛ دیگری گروه استانبول ۷۳۱ (س)، لنینگراد ۷۳۳ (لن)، قاهره ۷۶۹ (ق ۲)، لیدن ۸۴۰ (لی)، پاریس ۸۴۴ (پ)، آکسفورد ۸۵۲ (آ)، برلین ۸۹۴ (ب) و ترجمه عربی بُنداری. او، در جای دیگر، به این نکته مهم اشاره کرده است:

ترسیم نمودار یا درخت خویشاوندی دستنویس‌های شاهنامه شدنی نیست؛ چون تنها میان چندتایی از آنها خویشاوندی ثابت و نزدیک هست... و خویشاوندی میان دیگر دستنویس‌ها یا دور است یا گردنده، و علت این خویشاوندی‌های گردنده این است که دستنویس‌ها اساساً کتابت همه دفترها یا همه داستان‌های شاهنامه را نداشته است و یا در برخی جاها صفحه‌هایی چند از آن افتادگی داشته و کاتب ناچار در این جاها دستنویس دیگر را اساس کتابت قرار داده است. (همو ۱۳۶۹ ب، صفحه بیست و یک - بیست و دو)

به گفته خالقی (۱۳۶۹ الف، ص ۴۴)، نسخه لندن ۶۷۵ با نسخه قاهره ۷۴۱ خویشاوندی نزدیک دارد.

استنباط‌های خالقی در بخش‌های آغازین شاهنامه قطعاً مصداق دارد؛ اما در بخش‌های دیگر، گروه‌بندی او و خویشاوندی‌ها ثابت نمی‌مانند. مثلاً، در دفتر هفتم، خویشاوندی نسخه لندن ۶۷۵ با قاهره ۷۶۹ از گروه دیگر بیشتر است تا با قاهره ۷۴۱. در غالب موارد، ضبط‌های درست در نسخه‌های گروه یکم، که اقدم نسخه‌های کامل شاهنامه در رأس آنها جای دارد، دیده می‌شود.

نمونه بارزی از بی‌ثباتی خویشاوندی نسخه‌های شاهنامه را در نسخه نویافته سعدلو می‌توان دید که بی‌تاریخ است ولی نسخه‌شناسان برآن‌اند که به قرن هشتم تعلق دارد. در دفتر هفتم شاهنامه به تصحیح نگارنده و دکتر خالقی مطلق (= جلد هشتم چاپ مسکو)، در پادشاهی بلاش ساسانی، ضبط‌های نسخه سعدلو عموماً به گروه دوم نزدیک می‌شود؛ اما، از اواخر پادشاهی بلاش، به یکباره از آمیختگی ضبط‌ها بیرون می‌آید و به لندن ۶۷۵ سخت نزدیک می‌گردد تا آنجا که شاید بتوان گفت هیچ‌یک از نسخه‌های شناخته‌شده شاهنامه به اندازه نسخه سعدلو - البته در بخش مشخصی - به لندن ۶۷۵ نزدیک نباشد. نکته مهم اینکه، در نسخه سعدلو، حتی بسیاری از ضبط‌های یگانه و برساخته نسخه لندن ۶۷۵، که در نزدیک‌ترین نسخه‌های خویشاوندش نیامده‌اند، دیده می‌شود. نگارنده، در مقاله‌ای (۱۳۸۲ ب) نمونه‌های متعددی از ضبط‌های مشترک میان دو نسخه مذکور را به دست داده‌ام، و در اینجا بازهم به چند نمونه دیگر

اشاره می‌کنم (این ضبط‌ها یا اصیل‌اند و یا برساخته یکی از کاتبان با سواد و خوش ذوق نسخه‌ای که مادر دو نسخه مذکور بوده‌اند):

– پرموده پسر ساوه‌شاه به اسارت بهرام چوبین درمی‌آید و برآن می‌شود که از پادشاه ایران (هرمزد چهارم) زینهار بخواهد. به بهرام چوبین می‌گوید:

نویسم یکی نامه زی شهریار مگر زو شوم ایمن از روزگار  
(چاپ مسکو، ج ۸، ص ۳۸۰، ب ۱۰۸۹)

مصراع دوم فقط در لندن ۶۷۵ و نسخه سعدلو (ص ۸۹۲، س ۶ از پایین) آمده و درست است. ضبط‌های ۱۴ نسخه دیگر چنین است: بدان‌سان (بدین‌سان، برآن‌سان) که باید (شاید، آید) بدین (برین) روزگار. این مصراع در چاپ مسکو نسخه بدل ندارد و این بدان معناست که در پنج نسخه مبنای کار مصححان شوروی از جمله لندن ۶۷۵ همین ضبط بوده است. دست کم سه نسخه دیگر (لنینگراد ۷۳۳، لنینگراد ۸۴۹ و قاهره ۷۶۹) از نسخه‌های مبنای تصحیح خالقی نیز این ضبط را داشته‌اند.

– در زمان هرمزد چهارم، هنگامی که دشمنان ایران چون ترکان و خزران و رومیان و عرب‌ها از هرسو به ایران می‌تازند و پادشاه با نامداران ایرانی رایزنی می‌کند، موبد بدو می‌گوید:

ابا رومیان داستان‌ها زنیم ز بن پایه تازیان برکنیم  
ندارم به دل بیم از تازیان که از دیده‌شان دیده دارد زیان  
که هم مار خوارند و هم سوسمار ندارند جنگی گه کارزار  
(چاپ مسکو، ج ۸، ص ۳۳۳، ب ۳۰۳-۳۰۵)

دو بیت آخر فقط در نسخه‌های لندن ۶۷۵ (ص ۲۵۴ پ، س ۱۹) و سعدلو (ص ۸۷۷، س ۳-۴) آمده است و هیچ‌یک از نسخه‌های دیگر آن را ندارند. نگارنده در جای دیگر درباره این دو بیت به تفصیل به بحث پرداخته و نشان داده است که هر دو الحاقی‌اند و سروده همان کاتب خوش ذوق پیش‌گفته. (خطیبی ۱۳۸۴، ص ۱۷-۱۸)

اما در همه موارد نمی‌توان درباره اصلی یا جعلی بودن ضبط‌های مشترک نسخه‌های لندن ۶۷۵ و سعدلو، در تقابل با ۱۴ نسخه دیگر و احیاناً ترجمه عربی بنداری، با قاطعیت حکم کرد؛ موارد زیر از آن جمله‌اند (ضبط‌های مشترک لندن ۶۷۵ و سعدلو در متن و ضبط ۱۴ نسخه دیگر در کمانک آمده‌اند):

– قیصر، هنگامی که دریافت تاب پایداری در برابر نوشین روان را ندارد،

گزین کرد زان فیلسوفانِ روم سخن‌گویِ بادانش و پاک‌بوم  
به جای آمد از موبدان شست مرد به کسری شدن نامزدشان بکرد  
(زدوده روان و خرد را ز گرد)<sup>۱</sup>

چو شب تیره گردد شبیخون کنیم ز دل بیم (ترس) و اندیشه بیرون کنیم  
(چاپ مسکو، ج ۸، ص ۳۷۷، ب ۱۰۳۶؛ نسخه سعدلو، ص ۸۹۱، س ۸)

به تندیش (تیزیش) یک تازیانه بزد برآن‌سان که از ناسزایان سزد  
(چاپ مسکو، ج ۸، ص ۳۸۷، ب ۱۲۰۴؛ نسخه سعدلو، ص ۸۹۴، س ۲ از پایین)

مجوید ازین پس کس از من سخن کزین باره‌ام پاسخ (دانش) آمد به بن  
(چاپ مسکو، ج ۸، ص ۴۱۰، ب ۱۵۶۲؛ نسخه سعدلو، ص ۹۰۲، س ۸)

در چاپ عکسی نسخه شاهنامه موزه بریتانیا، پس از پیشگفتار محققانه محمود امیدسالار، یادداشت کوتاهی نیز به قلم استاد ایرج افشار آمده که، در آن، جدول تطبیقی این نسخه‌برگردان با چاپ‌های سه‌گانه ژول مول (چاپ اصلی پاریس، چاپ جیبی تهران و چاپ انتشارات علمی) به دست داده شده است. همچنین ترجمه انگلیسی خلاصه‌ای از پیشگفتار و یادداشت مذکور در بخش پایانی کتاب درج شده است.

این نسخه‌برگردان چهارمین نسخه‌ای است که «مؤسسه گنجینه نسخه‌برگردان متون فارسی» با پشتیبانی مالی برخی از هم‌وطنان مقیم امریکا منتشر کرده است. ایرج افشار و محمود امیدسالار، که مسئولیت این مؤسسه و گزینش نسخه‌ها را برای چاپ عکسی برعهده دارند، از نسخه‌شناسان طراز اول کشور محسوب می‌شوند. اجر همه این عزیزان در حفظ و اعتلای میراث ارجمند زبان و ادب فارسی مشکور باد.<sup>۲</sup>

## منابع

برتلس، ی.ا.، «پیشگفتار شاهنامه چاپ مسکو»، ترجمه حمید محمدزاده، شاهنامه فردوسی، متن انتقادی از روی چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، قطره، تهران ۱۳۷۳.

۱) چاپ مسکو، ج ۸، ص ۹۳، ب ۶۹۴-۶۹۵. ضبط نسخه سعدلو (ص ۷۹۳، س ۱۵) با ضبط ل اندکی متفاوت و چنین است: به کسری شدند تا مددشان بکرد.

۲) درباره این نسخه‌برگردان، همچنین ← آیدنلو، سجاد، «نسخه‌برگردان شاهنامه لندن (۶۷۵ق)»، نشر دانش، سال ۲۲، شماره ۱ (پیاپی ۱۱۲)، بهار ۱۳۸۵، ص ۵۳-۵۶.

- تقی‌زاده، حسن (۱۳۴۹)، فردوسی و شاهنامه او، به کوشش حبیب یغمایی، انجمن آثار ملی، تهران.  
خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۹ الف)، ضمیمه دفتریکم شاهنامه، روزبهان، تهران.  
— (۱۳۶۹ ب)، «چند توضیح درباره دستنویس فلورانس»، کلک، مجلد ۱۰، ص ۲۲۴-۲۲۸.  
خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، «انتخاب اقدم یا ترجیح اصح: نقدی بر شاهنامه چاپ مسکو (۱)»، نامه ایران باستان، سال ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان، ص ۷۷-۹۸.  
— (۱۳۸۳)، «انتخاب اقدم... (۲)»، نامه ایران باستان، سال ۴، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۲۳-۵۷.  
— (۱۳۸۲ الف)، «کاتب خوش‌ذوق و دردسر مصحح: درباره کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه»، نشر دانش، سال ۲۰، شماره ۳، پاییز، ص ۱۸-۲۶.  
— (۱۳۸۲ ب)، «شاهنامه‌ای کهن: همخوانی بخشی از دستنویس سعدلو با کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه»، نشر دانش، سال ۲۰، شماره ۱، بهار، ص ۳۰-۳۶.  
— (۱۳۸۴)، «بیت‌های عرب‌ستیزانه در شاهنامه»، نشر دانش، سال ۲۱، شماره ۳، پاییز، ص ۱۴-۲۰.  
داراب، غلامحسین (۱۳۱۳)، «شاهنامه چگونه باید طبع شود»، باختر، سال ۱، شماره ۱۱-۱۲، ص ۸۷۴-۸۷۵.  
ریاحی، محمد امین (۱۳۷۲)، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.  
شاهنامه، چاپ مسکو (← برتلس).  
شاهنامه، همراه با خمسه نظامی، چاپ عکسی از روی نسخه متعلق به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مربوط به قرن هشتم هجری، با مقدمه فتح‌الله مجتبائی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۷۹.  
قزوینی، محمد (۱۳۶۲)، «مقدمه قدیم شاهنامه»، هزاره فردوسی، دنیای کتاب، تهران.  
مجتبائی، فتح‌الله (۱۳۷۲)، «نسخه‌ای کهن از شاهنامه فردوسی متعلق به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، آینده، سال ۱۹، شماره ۴-۶، ص ۲۹۱-۳۰۱.  
مینوی، مجتبی (۱۳۵۶)، «فردوسی ساختگی و جنون اصلاح اشعار قدما»، مینوی و شاهنامه، بنیاد شاهنامه، تهران.

